

اعلامیه حزب حکمتیست

کارگران فولاد فردا تجمع میکنند، دور جدید کشمکش کارگران با کارفرما بر سر عدم اجرای توافق

صفحه ۳

از رهبر عملی تا "فعال کارگری"! در نقد یک سنت غیر کارگری

سیاوش دانشور

صفحه ۴

کمونیست می پرسد

به پیشواز ۸ مارس روز جهانی زن

با ملکه عزتی

صفحه ۷

حربه «انتخابات» و کابوس همیشگی رژیم جمهوری اسلامی

عبداله دارابی

صفحه ۸

نابودی حماس، "یا نسل کشی و کوچ اجباری مردم فلسطین"

رفح در چند قدمی مرگ

سعید یگانه

صفحه ۱۰

اعلامیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در باره "انتخابات" رژیم اسلامی

مردم رأی شان را داده اند:

سرنگونی انقلابی تمامیت نظم اسلامی سرمایه داران!

صفحه ۱۱

هشت مارس روز جهانی زن!

فریده عبدی

صفحه ۱۲

در صفحات دیگر

- پیام حزب کمونیست کارگری- حکمتیست به مراسم روز کومه له صفحه ۲
- پیام حزب کمونیست کارگری- حکمتیست به زنان مبارز و مردم آزادیخواه افغانستان صفحه ۹
- اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست درمورد انتخابات صفحه ۱۳
- اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی صفحه ۱۴



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran
Hekmatist

جمعه ۲۷ بهمن ۱۴۰۲ - ۱۶ فوریه ۲۰۲۳

اعلامیه حزب حکمتیست بمناسبت روز

جهانی زن

علیه فرودستی زن، علیه

آپارتاید جنسی، برای یک

برابری سوسیالیستی!

زنان در ایران در قامت بلندی بپا خاسته‌اند. زنان شورشی خواهان اصلاح حکومت ضد زن نیستند، نفی آنند. زنان در ایران علیه بنیادهای فرودستی و آپارتاید جنسی و رژیم اسلامی حافظ آن قد علم کردند. نسل جدید، علیه ستم بر زن، بمثابه طوق حقارت عمومی طغیان کرده است. به آتش کشیدن حجاب اسلامی بعنوان پرچم حکومت آپارتاید جنسی، خصوصیت زنانه و ضد اسلامی، رادیکالیسم و برابری طلبی، مهمترین نقاط قدرت خیزش انقلابی علیه مهمترین سنگر اسلام سیاسی در خاورمیانه است. هدف فوری این جنبش سرنگونی انقلابی تمامیت جمهوری اسلامی است. الغای کلیه قوانین ضد زن و نظم آپارتاید شرط لازم آزادی زن از طوق بربریت اسلام و تعصبات جاهلانه دینی است، اما شرط کافی آزادی زن در هم کوبیدن بنیادهای نظم نابرابر سرمایه‌داری است که به ستم بر حسب جنسیت و انواع تبعیض و تقسیمات دیگر نیازمند است و آنرا باز تولید میکند.

از آخرین برآمد انقلابی یعنی از شهریور ۱۴۰۱ تاکنون، جمهوری اسلامی جنایت‌های بزرگی علیه زنان و مردان انقلابی و حتی کودکان مرتکب شده است و هنوز بر تداوم اعدام و ترور پای میفشارد. اما جامعه گردن خم نکرده و با روحیه انقلابی مبارزه‌اش را در قلمروهای کلان گسترش میدهد. حجاب اسلامی، این سمبل فرودستی زن دوفاکتو ورافتاده است. دستگاه فاسد دین

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



همسرنوشتی‌مان را اعلام کنیم. "مرگ بر طالبان چه در کابل چه تهران" شعار مشترک جنبش آزادی زن در دو کشور است. پیروزی در ایران سرآغاز تحولات زیر و رو کننده در خاورمیانه و انزوای تروریسم و سلطه صنعت دین اسلام خواهد بود. طالبان و دولتهای اسلامی در منطقه از امواج انقلابی آزدیخواهانه و آنتی اسلامیستی نخواهند جست.

حزب کمونیست کارگری - حکمیتست برای آزادی و برابری بدون قید و شرط زن و مرد در کلیه شئون اجتماعی مبارزه میکند و این مبنای نزدیکی و دوری ما با هر حرکت و جنبشی در باره مسئله زن و در خیزش انقلابی جاری است. سیاست حزب حکمیتست و جنبش آزادی زن در ایران، تقویت روندهای سکولار و برابری طلب و سوسیالیستی و حمایت از مبارزه انقلابی زنان و مردان برای رهائی از سلطه اسلام سیاسی است. ما برای یک برابری سوسیالیستی مبارزه می کنیم. این پرچم را همه جا برافرازید!

زنده باد ۸ مارس!
مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!
حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیتست
۲۶ بهمن ۱۴۰۲ - ۱۵ فوریه ۲۰۲۴

اعلامیه حزب حکمیتست بمناسبت روز جهانی زن علیه فرودستی زن، علیه آپارتاید جنسی، برای یک برابری سوسیالیستی!

بی‌آبروتر از هر زمانی است. پایه‌های ایدئولوژیکی حاکمیت فروربخته اند. فقر و فلاکت اقتصادی بیداد میکند و سیاست تنها به زور تفنگ و سرکوب روز را به شب میرساند. هیچ راهی از درون برای تغییر مطلقاً وجود ندارد. اعتراض بیوقفه زنان و موج رو به رشد اعتصابات کارگری از جمله نقش تعیین کننده‌ای در شکست و تعمیق بحران لاعلاج رژیم اسلامی داشته‌اند. بپاخاستن زنانه اینبار تماماً به ریشه‌اش برگشت و چکامه‌اش را از سنت ۸ مارس، از جنبش جهانی برای آزادی و برابری زن و مرد گرفت. این جنبشی است که با خیزش انقلابی‌اش علیه نظم ضد زن، جهانی را به سمپاتی واداشته است.

زنان و مردان انقلابی، کارگران و مردم زحمتکش!
در روز زن قدرت‌تان را نشان دهید. در روز زن با ابتکارات مختلف جامعه را مملو از احترام به آزادی و برابری زن و مرد کنید. در این مناسبت علیه سبلمهای ضد زن آگاهانه واکنش نشان دهیم؛ حجاب اسلامی را آتش بزنیم، علیه هر قانون و موعظه ضد زن بایستیم. دیوارها و بزرگراه‌ها را با تصاویر عزیزان جانبازخته مژین کنیم. اجتماعات بمناسبت روز جهانی زن برگزار کنیم. بر شعارهای محوری برابری زن و مرد، الغای حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی، آزادی کلیه زندانیان سیاسی تاکید کنیم. بر جنایت‌های غیرقابل بخشش حکومت و محاکمه و مجازات جنایتکاران پای بفشاریم. در این روز با زنان مبارز کشورهای منطقه و جهان بویژه زنان در افغانستان همبستگی و

پیام حزب کمونیست کارگری - حکمیتست به مراسم روز کومه له

رفقای عزیز، پیشاپیش ۴۵ مین سالگرد علنی شدن کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) را بشما تبریک می گوئیم و برایتان در پیشبرد وظایف انقلابی و سوسیالیستی آرزوی موفقیت می کنیم.

برای همه روشن است که جامعه ایران و به تبع آن جامعه کردستان آستن تحولات سرنوشت سازی است. از یک طرف، بحران چند لایه حاکمیت اسلامی سرمایه که به اقرار صف خودی هایشان هم راه حل و برون رفتی برای آن متصور نیست، و از طرف دیگر اعتراض مستمر و توفنده کارگران و مردم زحمتکش و آزدیخواه که هرازگاهی پایه های رژیم استعمار و قتل و کشتار را به لرزه در می آورد، حکایت از آن دارد که کمونیستها یکبار دیگر برای ایفای نقش به مصاف طلبیده شده اند.

کومه له (سازمان حزب کمونیست ایران) با پیشینه انقلابی خود و در ارتباط با جامعه ای که در آن چپ و سوسیالیسم، انقلابیگری و آزدیخواهی یکی از خصیصه های بارز آن است، در متحد کردن و آماده کردن صفوف انقلاب اجتماعی در کردستان وظیفه مهمی برعهده دارد. در این رهگذر جدا از آماده بودن برای هدایت سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، باید در مقابل رقبای طبقاتی که در کمین سوار شدن بر موج نارضایتی توده ای در کردستان نشسته اند هشیار و با افشای مداوم سیاستهایشان در جامعه کردستان تکرار سرنوشت انقلاب ۵۷ را غیر ممکن کرد.

اما همانطور که در سیاست و اهداف کومه له و اسناد آن تاکید شده است، این وظایف خطیر در پیوستگی و هماهنگی با جنبش های اجتماعی سراسری ممکن است و تاکید بر همبستگی طبقاتی کارگران و کمک به متحد و متشکل کردن آنها، یک شرط اساسی پیروزی کارگر و کمونیسم در ایفای این نقش تاریخی است.

ما یکبار دیگر ضمن تبریک روز کومه له، برایتان در پیشبرد اهداف انقلابی در جنبش کارگری - کمونیستی صمیمانه آرزوی موفقیت می کنیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد سوسیالیسم!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیتست
۲۱ بهمن ۱۴۰۲ - ۱۵ فوریه ۲۰۲۴

مرگ بر جمهوری اسلامی!

اعلامیه حزب حکمتیست

کارگران فولاد فردا تجمع میکنند، دور جدید کشمکش کارگران با کارفرما بر سر عدم اجرای توافقی



چون اتحاد و اعتصاب کارگران توانسته بود آنها را عقب بنشانند. کارگران روزهای شنبه ۲۱ و دوشنبه ۲۳ بهمن مقابل تالار اجتماعات جمع شدند تا با هم اندیشی و تکیه به خرد جمعی، در مورد مقابله با این بازی های بانک ملی و علی محمدی تصمیمی بگیرند. تجمع سراسری فردا سه شنبه ۲۴ بهمن، نشان عزم کارگران برای کوتاه نیامدن از خواسته های برحق شان است.

اجرای بدون حقه بازی طبقه بندی مشاغل، همسان سازی حقوقها با شرکتهای فولادی همجوار و مشخصاً فولاد اکسین، تغییر وضعیت کارگران شغلی از خواسته های کارگران است که برای اجرای آن ناچارند از علی محمدی کلاهبردار و استثمارگر و بانک ملی بنگاه دار خلع ید کنند.

کارگران فولاد تنها سرمایه شان اتحاد پولادین آنهاست و همین درجه از تحقق خواسته های از جمله بازگشت به کار آقای کریم سیاحی نتیجه این اتحاد است. بازگشت به کار آقای کریم سیاحی را به ایشان و کارگران مبارز گروه ملی تبریک میگوئیم. با تقویت همین اتحاد و تکیه بر خرد جمعی میتوان همه خواسته های برحق را متحقق کرد. درود بر رزم و اتحاد کارگران فولاد!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!
حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
 ۲۳ بهمن ۱۴۰۲ - ۱۲ فوریه ۲۰۲۴

کارگران فولاد در ادامه اعتراضات این هفته و برای پیگیری خواسته هایشان، برای فردا سه شنبه ۲۴ بهمن ماه ساعت ۹/۳۰ صبح جنب تالار اجتماعات فراخوان داده اند. اجتماع سراسری فردا در ادامه اعتراضات روزهای اخیر از جمله تجمع امروز دوشنبه ۲۳ بهمن مقابل تالار اجتماعات بود که طی آن کارگران در مجمع شان به هم فکری و هم اندیشی در رابطه با اجرای دقیق خواسته هایشان پرداختند که در مورد آن توافق شده است. روز شنبه ۲۱ بهمن نیز در بخشهایی کوتاه مدت دست از کار کشیدند تا در مورد جدی بودن کارگران برای پیگیری خواسته ها به بانک ملی و علی محمدی هشدار داده باشند.

مسئله اینبار از فیش های حقوقی دیمه شروع شد که در آن کلاهبرداری علی محمدی آشکار بود. کارگران در مذاکرات حاضر شدند موعقات مربوط به یک پی را به کارفرما ببخشند و از دریافت آن صرف نظر کنند مشروط بر اینکه در محاسبه آیتم های مزدی سقف هر کدام رعایت و لحاظ شود. اما در فیش های دیمه، کارفرما نه تنها این توافقات را رعایت نکرده است بلکه در آیتم های اضافه شده به فیش حقوقی از جمله حق جذب و شرایط محیط کار، که کف آن حدود ۲۰ درصد و سقف آن حدود ۱۲۰ الی ۱۵۰ درصد است، در مورد همه آیتم ها مینیمم آن را در فیش حقوقی محاسبه کرده است. به همین دلیل حدود ۵ الی ۶ میلیون از حقوق هر کارگر بالا کشیده است.

کارفرما وقتی با اعتراض کارگران مواجه شد، گفتند که "اشتباهی در امور اداری رخ داده است". کارگران تا روز شنبه ۲۱ بهمن برای تصحیح این "اشتباه" فرصت دادند و روز شنبه بخشهایی با از دست از کار کشیدن مقابل سالن اجتماعات تجمع کردند. کارگران فولاد دست علی محمدی را خوانده اند، وی میخواهد بحث اجرای طبقه بندی مشاغل و همسان سازی حقوقها را به سال دیگر موکول کند، فعلا با دبه درآوردن و پرداخت قطره چکانی "حق الحساب" و افزایش صوری آیتم ها فرصت میخرد. اینها حتی حرف و امضای خودشان را هم قبول ندارند



شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!



در ایران و کشورهای استبدادی که ایجاد سازمانهای حزبی و توده ای کارگران ممنوع است، با چنین وضعیتی روبرو هستیم. بخشی از الیت سیاسی و افراد با تفکرات و تعلقات سیاسی مختلف، در قلمروی بصورت علنی و قانونی کار کردند و عنوانی متناسب با آن را برگزیدند. فعال حقوق بشر، فعال حقوق زن، فعال حقوق کودک، فعال فرهنگی، فعال کارگری و غیره. همین سطح

از فعالیت که بطرق قانونی و بعبارت دقیق تر در چهارچوب تحمل قانون در محدوده خاص صورت میگردد، همواره با سرکوب و پرونده سازی و اعمال فشار روبرو شده است. از سویی رژیم تلاش میکند همین میزان تحرک محدود را هم عقب براند و از سویی دیگر عمده فعالیتهایی که ماهیثاً علنی اند، اکتیویست این قلمرو را ناچار میکند در چهارچوب خاصی تحرک ادامه دار داشته باشد. اینها و نکات ریز دیگری فرض ماست.

"فعال کارگری"

در دو دهه اخیر بتدریج نهادهایی شکل گرفتند که عمدتاً در چهارچوب قانون و یا چهارچوبهای پیش بینی شده در قانون و یا مانور دادن در چهارچوبهای قانونی کار میکردند. در حوزه کارگری، بتدریج با ترم "فعالین کارگری" روبرو شدیم. این فعالین کارگری اما ویژگی منحصر بفردی داشتند و از جمله عمده آنها نه خود کارگر بودند و نه در محیط تولیدی یا خدماتی کار میکردند و نه برخاسته از اعتراض و مبارزه کارگری در یک رشته معین بودند. این معضل، یک داده اختناق بود که فعالین شرافتمند و سیاسیونی که میخواستند کارگران قدمی بجلو بردارند، نام خود را بدلائل مختلف "فعال کارگری" گذاشتند و هدف خود را بسیج کارگران و "ایجاد تشکل کارگری" یا "کمک برای ایجاد تشکل کارگری" نام نهادند. این مجموعه یکدست نبودند. بخشی بسیار قانونگرا و شبیه شورای های اسلامی کار و خانه کارگر کار میکردند و هنوز هم همین اند. بخش مهمتری که رادیکال تر بودند، متأسفانه بدلیل بی ارتباطی با کارگران و در محیط کار نبودن، نتوانستند هیچ سازمان و تشکل کارگری ایجاد کنند و با برای ایجاد آن کمک درخوری بکنند. در نتیجه ما با نوع خاصی از "تشکل"ها روبرو هستیم که بعضاً آگاهانه و بعضاً سهواً با نام "تشکل کارگری" معرفی میشوند و فعالین و اعضایشان را "فعال کارگری" خطاب میکنند. در واقع این تشکل ها یا شبکه فعالین و یا محفلی از همفکران زیر یک عنوان هستند. اینها نه نقش حزب سیاسی را ایفا میکنند و نه نقش تشکل توده ای طبقه کارگر را. "فعال کارگری" عنوانی اجباری زیر چتر اختناق است و نه یک داده ایژکتیو از یک جنبش خاص و سوخت و ساز درونی آن جنبش.

"رهبران عملی" کارگران

کارگران اما در بدترین شرایط و مختنق ترین اوضاع توده بی شکل نیستند. سوخت و ساز درونی خود را دارند و همواره میان لایه های پیشروتر و فعال تر تحرک و بحث و تلاش وجود دارد. کارگران محافل خانوادگی و کاری و فراکارخانه ای و شبکه های فعالین هم جهت دارند. میان اینان عده ای در رهبری اعتصابات بزرگ کارگری نقش جدی داشتند و هر زمان تکان بخورند هزاران کارگر آنها را همراهی می کنند. اعتصابات بزرگ در شرکتهای مهم مانند ذوب آهن، فولاد، ماشین سازی ها، هفت تپه، هیکو، آذراب، معلمان، بازنشستگان و معدنچیان از این جمله اند. اینها را ما سنتاً "رهبران عملی" و "لایه رهبران عملی و محلی کارگران" نامیدیم. رهبرانی که در محل کار و در متن یک مبارزه جاری قد علم می کنند، روی چهارپایه و سکو میروند، سازمان میدهند و سرنوشت هر مبارزه و اعتصاب مشخص بدرجه زیادی به عملکرد این لایه ربط دارد. مضافاً "رهبران عملی" چند تمایز اساسی با "فعالین کارگری" دارند: اول، رهبر عملی راساً کارگر

از رهبر عملی تا "فعال کارگری"! در نقد یک سنت غیر کارگری

سیاوش دانشور

هدف این یادداشت نه رنجاندن دوستانی که خود را با عنوان "فعال کارگری" معرفی میکنند و نه کم ارزش کردن تلاشهایی است که به هر حال خیر کارگر را خواسته است. بلکه تلاش برای نور انداختن روی تمایزهای دو سنت سیاسی متفاوت است که بموازات هم وجود داشتند و عمل می کنند. همینطور از این دریچه میتوان به سوالاتی مانند دلیل عدم موفقیت سیاستهایی که برای متشکل کردن کارگران تلاش کرده اند، بطور ریشه ای تری پرداخت و در مفروضات تاکتونی و سبک کار و روشها در قالب یک سنت غیر کارگری و غیر سوسیالیستی بنوان تجدید نظری اساسی کرد. شخصاً بندرت و شاید هیچوقت از ترم "فعال کارگری" استفاده نکردم و بین این عنوان و "رهبر عملی" تمایز جدی قائلم.

بحث پرس چیست؟

در ادبیات سیاسی و در رسانه ها بویژه در غرب بطور کلی ما با عنوان اکتیویست یک قلمرو روبرو میشویم. اگر فردی تخصصی یا تمرکزی در قلمرو کنکرتی دارد، یا در مورد مسائل آن قلمرو تحقیق میکند یا کار کرده است، در باره سوالات و گره گاههای آن آشنا است، وی را "فعال" آن عرصه می نامند. فعال جنبش ضد آپارتاید، فعال یا اکتیویست جنبش ضد فاشیستی، فعال حقوق زنان، فعال حقوق مهاجرین و پناهندگان و یا فعال اتحادیه های صنفی. این فعال بودن یا اکتیو بودن در قلمرو مشخص، هنوز با منتفد بودن، با اتوریته بودن، رهبر و سازمانده بودن، در متن مبارزه جاری و واقعی بودن خیلی فرق دارد. فعال بودن در قلمرو مشخص عمدتاً منعکس کننده علاقه سیاسی فرد در آن قلمرو و گوشه ای از ابراز وجود و فعالیت سیاسی و اجتماعی وی است.

در جامعه ای که اختناق سیاسی حاکم نیست و شما میتوانید آزادانه عقایدتان را ابراز کنید، میروید عضو احزاب سیاسی، نهادهای اجتماعی و صنفی و کلوپ های ورزشی و هنری و فرهنگی میشوید. وقتی هم بعنوان فعال قلمرو مشخص در رسانه ها ظاهر میشوید، تعلق حزبی یا سیاسی تان عیان است. خانم یا آقای ایکس عضو حزب فلان در مورد مسئله محیط زیست و سیاست دولتها نظر میدهد. در کشورهای استبدادی اما اینگونه نیست. در اینجا احزاب سیاسی ممنوع و "منحله" اند، سازمانهای توده ای کارگری و زنان و دانشجویی تحمل نمیشوند، دامنه تحمل قانونی رژیم مرتباً در نوسان است و تابعی از موقعیت سیاسی حکومت هاست. لذا در یک جامعه اختناق زده سنتهای مبارزاتی شفاف نیستند، در اشکال پیچیده تری بروز میکنند و سیمای سیاسی شان همواره در خطر مخدوش شدن قرار دارد. این اوضاع ویژه به مسائل مختلفی امکان بروز میدهد. "چه چیزی مقدر است؟"، "حکومت چه را میتواند تحمل کند یا تحمل نکند؟"، "چطور قانونی کار کنیم؟"، "چگونه فشار پلیس سیاسی را پس بزنیم؟"، "چگونه واقع گرایی را جاییاندازیم و زمینی عمل کنیم؟"، و لیستی طولانی از آنچه نهایتاً معضلات عملی و روشهای سبک کاری در یک شرایط خاص هستند، در اشکال مختلف جلوی ما صف میکنند. وقتی زیر فشار یک اختناق شدید با پس زمینه سرکوب خونین هستیم، آنگاه فرجه دو خرداد و "جامعه مدنی" و "ان جی او" و قانونگرایی برای عده زیادی به تنها راه نفس کشیدن و ابراز وجود بدل میشود. تردیدی نیست باید از هر فرجه ای بفع مبارزه مستقل خود بهره جست اما محدود شدن به دامنه تحمل بورژوازی نسخه شکست است. بعد از مدتی همین اجبار تحمیلی، که باید برای درهم شکستن آن تلاش شود، خود برای سالها سیمای سیاسی یک جنبش را کم و بیش شکل میدهد.

وضعیت ویژه ایران

انطباق دهد، دیر یا زود جای خود را در چهارچوب سنتهای مبارزاتی دیگر و عمدتاً غیر کارگری خواهد یافت.

امروز تقریباً طیف بسیار گسترده ای از فعالین سیاسی و اجتماعی و عناصر دلسوز، خود را "فعال کارگری" می نامند. این مسئله همانطور که بالاتر اشاره شد یک محصول اختناق سیاسی است. یک دلیل دیگر که نباید از نظر دور داشت، اتورپته جنبش کارگری در جامعه و اهمیت و جایگاه این جنبش در یک جامعه سرمایه داری است. بیشتر کسانی که تا دیروز ممکن بود خود را هوادار فلان جریان یا خواهان فلان سیاست و تغییرات معرفی میکردند، امروز خود را "فعال کارگری" معرفی می کنند. اگرچه همه را نمیتوان با یک چوب راند، و بخشی از این فعالین کارگری خود در جایی مشغول کارند و یا برای استیفای حقوق کارگر تلاش کردند و هزینه داده اند، اما فعال کارگری مثل ژنرال بدون ارتش است، برآمده از هیچ جنبش و اعتراض مشخص نیست، برنامه ای هم برای تغییر این وضعیت ندارد، حتی آنجا هم که در محیط کار است نمیتواند در نقش رهبر و تربیون کارگران ظاهر شود. به همین دلیل تلاشهای سالیان طولانی برای ایجاد تشکل کارگری حتی به ایجاد یک تشکل کوچک در یک محل کار کوچک منجر نشده است. این تلاشها به سازماندهی اعتراض و اعتصاب کارگری منجر نشده است اگرچه در کنار این سنت سالی چند هزار اعتصاب برگزار میشود. اما تا دلتان بخواهد در مورد مسائل این طیف بحث و اختلاف و نظر هست، که مجموعه این موضوعات؛ اگر نگوییم تماماً به مبارزه روزمره کارگران بی ربط است، اما ربط چندانی به مبارزه واقعی و مشغله ها و مسائل جاری و حاد کارگران در بخشهای مختلف ندارند. این جدائی مشغله فعال کارگری و واقعیت جنبش کارگری ریشه در مسائل قدیم تری در جنبش بین المللی کارگری دارد.

سازماندهی ایده آلیستی

ایراد بعدی ساختمانی است که روی این پایه قرار است بنا شود. اگر واحدهای دو سه نفره و یکنفره و چند نفره میتواند "تشکل" نام بگیرد، یا با تقلیل گرائی محض "تشکل کارگری" نام گذاشته شود، ارتقای سطح تشکل در شهر و استان و سراسری به اتحادی از این نهادها نیز تقلیل می یابد. یعنی امر سازماندهی کارگران و ایجاد سازمانهای توده ای و حزبی میان کارگران به اتحاد چند محفل فعالین کارگری اساساً بیرون محیط کار تنزل می یابد. برسمیت شناختن این روش و سبک کار چیزی جز زیر گرفتن امر تشکل کارگری بطور اعم و تشکل طبقه کارگر بطور اخص نیست. طبقه اجتماعی ای که بدون سپر و شمشیر و ابزار جنگ به مهلکه برود بدون تردید از پیش شکست خورده است. جا دادن به این سطح از کار، هیاهو حول آن، تقلیل سازماندهی کمونیستی و کارگری به وحدت موسمی و آکسیونیستی بخشی از فعالینی که خود را "فعال کارگری" معرفی می کنند، به هر چیزی شبیه است بجز سازماندهی کارگری و تلاش برای تقویت اتحاد و تشکل طبقه کارگر.

ما داریم راجع به دو سنت مبارزاتی حرف میزنیم. اول سنتی که میان طبقه ریشه دارد و گرایشهای مختلف درون طبقه را در اشکال سیاسی و سازمانی و الگوی تشکل بازتاب میدهد. خط مشی شورائی و خط مشی سندیکالیستی و رفرمیستی بعنوان مثال از چهارچوبهای جاافتاده درون طبقه کارگر و جنبش جهانی کارگری اند. سنت دیگر که بموازات تحرک و اعتراض طبقه کارگر وجود داشته است اما بیرون طبقه کارگر و مبارزات جاری کارگری است. این دومی در همان جدائی تاریخی کارگر از "کمونیسیم" و از "مارکسیسم" بعد از شکست بلشویسم ریشه دارد و سنت اعتراض و رادیکالیسم طبقات غیر کارگر به وضع موجود را منعکس میکند. فعال کارگری در ایران و هر جای دیگر با این ویژگی ها محصول غائی این سنت است. و بالاخره باید یک ذره انتقادی بود، مرتباً خود را ریویو کرد، مثلاً سوال کرد که من نوعی بعنوان "فعال کارگری" بیش از دو دهه است که در هیچ تشکل و سازمان و اعتصاب و اعتراض کارگر در هیچ گوشه مملکت یا هر جایی نقش نداشته ام. این بی ربطی به اعتراض و مبارزه و اعتصاب کارگری برای یک "فعال کارگری" چطور قابل توضیح است؟ آیا ایراد از کارگر است یا از نحوه نگرش و سیاست و سبک کار و کلمه از جدائی اجتماعی من از یک جنبش واقعی؟ باید عبور کرد!

از رهبر عملی تا "فعال کارگری"! در نقد یک سنت غیر کارگری

سیاوش دانشور

و در محیط کار است، در کارخانه است و با کارگران روزمره در ارتباط است، مسائل و سوالات خرد و ریز کارگران رشته مربوطه را میشناسد. دوم، یک کارگر فعال در محیط کار هنوز با رهبر عملی و آژیتاتور کارگری فرق دارد. یک کارگر فعال را میتوان فعال و دلسوز کارگران دانست اما "رهبر عملی" و در سطحی دیگر نمایندگان کارگران به آن لایه پیشروان و کارگرانی اطلاق میشود که طی دوره ای توسط کارگران بمنابته نمایندگان و رهبران خود برسمیت شناخته شدند و میان کارگران نفوذ و اتورپته دارند. سوم، یک رهبر عملی شخصاً میتواند سوسیالیست یا رفرمیست و سندیکالیست یا مذهبی و مرتجع باشد، میتواند طرفدار شورا یا سندیکا یا انجمن صنفی یا کار قانونی باشد، نکته اینست که وی میان کارگران اتورپته دارد و در سنت خودش توانسته است خود را در رأس اعتراض کارگران قرار دهد. اما یک فعال کارگری که هیچکدام از این ویژگی ها را ندارد، مستقل از اینکه سوسیالیست و کمونیست است یا رفرمیست و سندیکالیست، نفوذ و جایگاه رهبر عملی را ندارد و کارگران وی را اصولاً نمی شناسند.

دو سنت متمایز

رهبر عملی کارگری، آژیتاتور کارگری، افرادی که در اعتصابات زبان کارگران هستند و اعتراض آنها را در فشرده ترین بیان منعکس می کنند، برای کمونیسم کارگری اهمیت حیاتی دارد. هر جنبشی با فعالین و چهره های ملموس و مادی میشود. جنبش بدون چهره و بدون رهبر پدیده جدیدی است که در تناقض مهلک با دنیای واقعی و سیر کشمکش طبقاتی است. در شاخه های دیگر نیز این چهارچوب تعیین کننده است. اعتراض و حرکت معلمان و فرهنگیان بالاخره با چهره ها و رهبرانی برآمده از این مبارزه ملموس و مادی میشود. اعتراض زنان علیه تبعیض و آپارتاید بدون عنصری که فشرده این اعتراض اجتماعی را منعکس کنند و در رأس آن قرار گیرند قابل توضیح نیست. یک رهبر سیاسی و آژیتاتور حقوق برابر زن و مرد که نیروی مادی و نفوذ اجتماعی خاصی را پشت سر خود دارد، بسیار فرق دارد با فعالین حقوق زن که چنین موقعیتی ندارند و یا در مورد مسائل زنان اظهار نظر می کنند. کسی میتواند در قلمروهای مختلف کار کند، بنویسد، بگوید، ایده داشته باشد، جدال کند، اینها همه از فرد تصویر عنصری فعال و جانبدار با چهارچوبهای فکری و سیاسی بدست میدهند. اما همین فرد رهبر هیچ جنبشی نیست، رهبر هیچ کارخانه و شاخه تولید مادی و غیر مادی نیست، سخنگوی هیچ بخش از جامعه هدف نیست. رهبر عملی در جنبش کارگری و رهبران مورد وثوق در جنبش های اعتراضی برآمده از همان جنبش اند. یک کارگر سندیکالیست و رهبر سندیکای مثلاً معدنچیان بالاخره یک رهبر کارگری است. یک کارگر کمونیست و سوسیالیست و فعال پرشور جنبش شورائی بالاخره یک رهبر عملی و رهبر کارگری در حیطه معینی است. اما یک فعال سیاسی طرفدار ایجاد سندیکا برای کارگران و یا ایجاد شورا برای کارگران ملقب به "فعال کارگری" رهبر جنبش کارگری نیست.

این اغتشاش دو سنت متمایز، تاثیر خود را بر روش و سبک کار و سیاست احزاب سیاسی هم گذاشته است. یک حزب کمونیستی طبق تعریف باید حزبی کارگری باشد و نبض اش با تحرک و اعتراض کارگر بزند، سوالات و مسائل کارگران برایش از اهمیت درجه اول برخوردار باشد و مهمتر تلاش کند حزب طرف اتحاد و بسیج رهبران عملی کارگری و برای احزاب کمونیست کارگری طرف اتحاد کارگران سوسیالیست و کمونیست و رهبران عملی و سراسری کارگران باشد. هر موقعیتی غیر از این، موقعیتی گذرا و انتقالی است و نمیتواند در یک دراز مدت ادامه داشته باشد. حزب کمونیستی که نتواند با سوخت و ساز طبقه کارگر و مبارزه علیه سرمایه داری خود را



میدانند، اگر واقعاً دل برای جنبش طبقه میسوزانند، باید میان کارگران باشند. هر هنری دارند آنجا به آزمون و خطا بگذارند و مسائل واقعی یک جنبش واقعی را منعکس کنند. از "فعال کارگری" به معنی رایج و محدود کلمه باید عبور کرد، ما رهبر عملی و رهبران سراسری کارگری داریم که هر کدام توسط مکانیزمهای مادی و واقعی جنبش تولید و بازتولید میشوند و دامنه اقبال آنها میان کارگران نیز مشروط به دفاع از منافع و وحدت وسیع تر کارگران در هر مقطع است. رهبر عملی موقعیت ابدی نیست، جنبش واقعی نمیگذارد و نیازهایش و منافعش در هر دوره چهره های خود را جلو می اندازد. اینها اما هیچکدام در مورد "فعال کارگری" صدق نمیکنند. این دومی از سنتی غیر کارگری برخاسته است. مادام که کارگر حق تشکل و ابراز وجود ندارد، هنوز فعال کارگری میتواند گاهی از کارگران سخن بگوید، اما بمیدان آمدن کارگران با تشدید قطب بندی طبقات در متن یک جامعه انقلابی، فعال کارگری را بین دو انتخاب قرار میدهد؛ رفتن به سوی جنبشهای دیگر و یا ادغام ارگانیک در جنبش واقعی طبقه کارگر علیه سرمایه داری.

۳۱ مه ۲۰۲۳



زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

از رهبر عملی تا "فعال کارگری"! در نقد یک سنت غیر کارگری

سیاوش دانشور

برای ما بعنوان یک حزب کمونیستی کارگری، محدودیتهای اختناق و اجبارهای نامرئی و روشهای دور زدن پلیس سیاسی قابل فهم است. اما همانطور که اختناق یک حزب سیاسی را بی وظیفه نمیکند، به همین ترتیب قبول کانسبت "فعال کارگری" و غیر انتقادی بودن به آن، نه فقط قابل توجیه نیست بلکه بازگشت به سنتهای غیر کارگری و غیر سوسیالیستی است. به این لحاظ جایگاه رهبر کارگری برای ما بسیار ویژه و مهم است. جایگاه رهبر مبارزه زنان برای آزادی، جایگاه سخنگویان شاخه های مختلف اعتراض کارگری در کارخانه ها و مراکز موسوم به خدماتی و آموزشی و بهداشتی برای ما بسیار مهم اند. اما "فعالان کارگری" که هیچ رابطه یک به یک و ارگانیک با این اعتراضات ندارند، و حتی بخشاً مبارزات واقعی کارگری را بی اهمیت می کنند، ابتدا چنین جایگاهی ندارند. ما دوست داریم و تلاش می کنیم افراد هرچه بیشتری به مبارزه سیاسی رویابورند، ترجیحاً سوسیالیست و کمونیست و مارکسیست شوند، در جنبشهای واقعی و توده ای و کارگری درگیر باشند، حتی بیرون طبقه و مبارزاتش صفی از حمایت قدرتمند راه بیاندازند. هیچ تک انسانی و هیچ قدم عملی کوچکی برای ما بی اهمیت نیست. اما باید از ترم "فعال کارگری" عبور کرد. تردیدی نیست هر کسی حق دارد خود را هرچه بنامد و یا خود را هر طور که مایل است معرفی کند. این فعالین کارگری در واقع و در بهترین حالت حامیان کارگران هستند و میان کل تحولات جاری به جنبش کارگری توجه ویژه ای دارند. ابعاد موضوع در همین حد است. اما رهبر عملی کارگری پدیده دیگری است، از یک سنت مبارزاتی درون طبقه کارگر برمیخیزد، مورد وثوق و اعتماد کارگران قرار میگیرد و توسط خود کارگران به جلو صف پرتاب میشود. رهبر عملی بیهوده و اختیاری رهبر عملی نمیشود. آژیتاتور کارگری بیخود با فریادهای "صحیح است صحیح است" کارگران مواجه نمیشود، کارگران بیجهت برای رهبر زندانی یا بازداشتی شان دست به اعتصاب و اعتراض نمی زنند، رهبر عملی جزو ارگانیک و لاینفک سوخت و ساز مبارزه جاری طبقه کارگر است و لایه رهبران محلی و سراسری کارگران از میان این سنتهای مبارزاتی عروج می کنند و نه توسط رسانه و تبلیغات و به شکل وارونه. کافی است از هر رفیق و دوست نازنین که خود را "فعال کارگری" معرفی میکند، بپرسید که دوست گرامی شما کجا کار می کنید، نماینده و رهبر کدام کارگران هستید، دقیقاً فعالیت شما چیست؟ این سوالات البته عمدتاً پاسخ ندارند، فعال کارگری کسی است که در بهترین حالت زمانی برای مدتی جانی کارگر بوده است و یا دانشجوی فارغ التحصل و یا بیکار است و یا امروز به طرق دیگری امرار معاش می کند. وی مسائل کارگران را مطالعه و از حقوق کارگران بزبان و تفکر خویش دفاع می کند. اما همان کارگران در فلان مرکز کارگری با انواع مسائل ریز و درشت درگیرند که متأسفانه "فعالان کارگری" ما کنارشان نیستند که برای باز کردن گرهی از مشکلات عیدیه ایشان کمکی باشند.

کمونیسم دین نیست که صرفاً به آن باور داشت، کمونیسم یک جنبش زنده اعتراضی علیه وضع موجود میان کارگران است. جنبش کارگری یک جنبش زنده اعتراضی در جامعه سرمایه داری است که گرایشهای اجتماعی پایداری در جامعه که منشأ تحرک و سنت های مبارزاتی اند، روی آن تاثیر میگذارند. سنتهای مبارزاتی در هر دوره از خود احزاب سیاسی بیرون میدهند و احزاب کارگری از سنتهای مبارزاتی میان کارگران برمیخیزند. یک حزب کمونیستی و مشخص تر یک حزب کمونیستی کارگری علی القاعده باید در درجه اول حزب گرایش رادیکال و سوسیالیست و کمونیست کارگران باشد. "فعالین کارگری" که خود را سوسیالیست و کمونیست و انقلابی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

کمونیست می پرسد

به پیشواز ۸ مارس روز جهانی زن

با ملکه عزتی



و ضد زن می باشد که زن را در موقعیت فرودست قرار میدهد. تعرض بنیادی و برچیدن بساط بربریت دینی که زن را نیمه مرد میداند. خواست زنان در آستانه ۸ مارس لغو کامل قوانین تبعیض آمیز و نابرابری در هر شکل و تحت هر عنوان و ترفندی فرهنگ و سنت... است. در آستانه ۸ مارس با صدای رسا باید اعلام کرد ما زنان و مردان آزادیخواه، خواهان برابری کامل

و بیقید و شرط در همه عرصه های اجتماعی، در قوانین و در همه شئون زندگی هستیم. این خواستها تنها خواسته هایی در ۸ مارس نیستند، اما اعلام آن در روز زن پلنفرم مبارزه مداوم و هر روزه تا سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی است.

خشم و نفرت نسلی از زنان جوان که علیه بنیاد هر نوع نابرابری در ۱۴۰۱ در خیابان و مدرسه و دانشگاه طغیان کردند، گرچه نه در تجمعات خیابانی، اما در اشکال دیگر هنوز ادامه دارد. در ۸ مارس این خشم را باید یکبار دیگر بر سر حکومت و سیستم آپارتاید جنسی ضد زن خالی کرد. عرصه مبارزه علیه جمهوری اسلامی هیچ زمان خالی نبوده. تجمعات معلمین و بازنشستگان، خروش کارگران فولاد، پرستاران و دانشجویان معترض و زنان و مردانی که در مقابل نیروی سرکوبگر حکومت با سر افراشته میایستند و حاضر به قبول تحقیر و فرودستی نیستند، همگی نشان از یک واقعیت دارند که جمهوری اسلامی دیگر در موقعیت قبل از ۱۴۰۱ قرار ندارد. در ۸ مارس با تکیه بر این فاکتور مهم برای اعلام حضور علنی علیه این حکومت ضد زن باید آماده بود. جمهوری اسلامی ۴۰ سال پیش با آموزه ها و قوانین اسلامی و استفاده از عوامل لات و لمپن خود در فراسوی بربریت و وحشیگری زنان را با سنگسار و اسید و چاقو مورد حمله قرار داد، امروز با جریمه و خیل حجاب بان و تصویب قانون حجاب و عفاف در شکل دیگری علیه صفی از زنانی سنگر گرفته که دیگر پیشیزی برای این ترفندها ارزش قائل نیستند. علیرغم وحشیگری بیسابقه رژیم در سرکوب و کشتار و اعدام، جامعه مرعوب و تسلیم نشده است. این آتش زیر خاکستر هر روز در جایی و به مناسبتی زبانه میکشد و جمهوری اسلامی و قوانینش را به مصاف میطلبد. این روزها که جمهوری اسلامی دریکی از ضعیفترین دوره های حیات خود بسر میبرد حمله و تعرض علیه کلیت جمهوری اسلامی کارسازترین سیاست و انتخاب است.

در ۸ مارس صف معترض و مغلوب نشده مردان انقلابی و آزادیخواه باید در میدان باشد و اعلام کند سرنگونی جمهوری اسلامی خواست اصلی ماست!

کمونیست : ۸ مارس روز جهانی زن در پیش است، ایران در شرایط متحولی به سرمیبرد، نبرد زنان علیه قوانین ضد زن جمهوری اسلامی همواره در جریان است. جایگاه روز جهانی زن در این اوضاع را چگونه می بینید؟

ملکه عزتی : دقیقاً اینگونه که نبرد زنان علیه قوانین ضد زن هر روزه در جریان است. چرا که از همان روزهای ابتدایی روی کار آمدن جمهوری اسلامی اولین و مهمترین اقدام و سیاست این حکومت نوپا اعلان جنگ با زنان بود. از مشخصه های اصلی این حکومت ضدیت با زن و سرکوب هر نوع آزادی و حق خواهی بود و هنوز هم هست. آنچه که بر زنان در طی این ۴۵ سال رفته بیسابقه است اما همزمان مقاومت و ایستادگی زنان هم ستودنی و مثال زدنی است. هر اقدام و سیاست ارتجاعی و عصر جبری را که بتوان تصور کرد اعمال کردند تا نیمی از جامعه را در کنج خانه و در کنترل کامل نگه دارند. یک پروسه طولانی و فرسایشی در طی ۴۵ سال برای نسلی از زنان که میبایست در جبهه های متفاوت برای حداقل های زندگی مبارزه می کردند. از خانواده تا محل کار و مکانهای اجتماعی هیچ امنیتی برای زنان متصور نبود. تهدید به قتل و اعمال خشونت و تهدید به تجاوز تاریخی است که اکثریت عظیم زنان در طول زندگی تجربه کرده اند. اما در خیزش انقلابی ۱۴۰۱ سران جنایتکار حکومت، تسلیم ناپذیری و خشم و نفرت عمیق زنان را از قوانین اسلامی ضد زن از تحمیل فرودستی، از حجاب و از نابرابری به عریان ترین شکل ممکن شاهد بودند. به آتش کشیدن حجاب به مثابه نماد تحقیر و فرودستی تنها اعتراضی علیه حجاب نبود، این حرکت ابراز تنفر از دین و آیینی بود که زن ستیزی و خشونت علیه زنان را به قدمت بیش از چهل سال در جامعه قانونی کرد.

بعد از خیزش انقلابی ۱۴۰۱ و نقشی که زنان در آن خیزش داشتند دیگر هرگز نمیتوان به پیش از شهریور آن سال برگشت. این واقعیت را در روزهای بعد از فروکشی اعتراضات خیابانی به وضوح میشد دید. حتی صفی که قبل از شهریور توهمی به اصلاحات با جابجایی مهره های حکومتی داشتند از این حکومت قطع امید کردند.

امروز و در آستانه ۸ مارس دیگر بحث مبارزه زنان تنها علیه حجاب اسلامی نیست. امروز به میدان آمدن زنان برای لغو کامل آپارتاید جنسی، برابری کامل زن و مرد و لغو هر نوع قانون و سنت ارتجاعی



اسلام و اسلام زدایی
منصور حکمت
ژانویه ۱۹۹۹

فرد در اسلام، چه راستین و چه غیر آن، بی حقوق و بی حرمت است. زن در اسلام برده است. کودک در اسلام در ردیف احشام است. عقیده آزاد در اسلام معصیت و مستوجب عقوبت است. موسیقی فساد است. سکس، بدون جواز و بدون داغ مذهب بر کپل مرتکبیش، گناه کبیره است. این دین مرگ و خون و عبودیت است

فوریه ۲۰۲۴
پهمن ۱۴۰۲

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker Communist Party of Iran
- Hekmatist

مردم و "انتخابات"!

از منظر مردم و جامعه ای که تغییر می خواهد، انتخابات در ایران هیچ وقت معنا نداشته است و آنجا هم که بخش هایی از جامعه به نادرست بین "بد و بدتر"، "انتخاب" کرده است، حاصلی جز "بدترین" نداشته است. بعد از برآمدهای توده ای و به ویژه بعد از خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱، هر کسی و هر جریانی که از "انتخابات" و دخیل بستن به "صندوق رای" با هر روایتی سخن میگوید، کارگزار خامه ای است.

سؤال واقعی برای باندهای حکومتی هم "انتخابات" نیست، بلکه تقسیم مجدد قدرت و دسترسی به منابع چپاول است. سؤال مهمتر برای آنها بقای نظام و کسب مشروعیت فرمال حقوقی است. همه شان می دانند که اکثریت عظیمی از دین و آیین شان بیزارند، می دانند اگر دست مردم برسد نسل شان را برمی دارند، می دانند برای آخوند و دیناسوره های مجلس خیرگان و آدمکشان و شکنجه گران که در هیات وکلای مجلس ظاهر می شوند ارزی ارزش قائل نیستند.

سؤال مردم انقلابی اما بر هم زدن بازی بالائیها و برگرداندن ورق سیاست به نفع پائینیها است. سؤال مردم رفیق به سوی انقلاب اجتماعی است. مشغله جامعه تمام کردن کار ناتمام است. مردم مدتهاست رأی شان را داده اند: سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی!

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!



دور از خواست و تمایل جامعه ایران صورت گرفته است. و با حمایت آمریکا و دول غرب، و رو دوش ناسیونالیسم سنتی بر گرده مردم ایران سوار شدند. و بر اساس همین واقعیت بود که رژیم جمهوری اسلامی تحمیل شده بر گرده مردم ایران، بلافاصله به عنوان ادامه دهنده راه همان رژیم سلطنت لقب گرفت که در سال ۱۳۵۷ شمسی توسط کارگران و مردم آزادیخواه ایران سرنگون گردید. به همین خاطر،

رهبری اصلی رژیم اسلامی ایران، همواره بر این باور بودند که تداوم حکمرانی شان روی یک تیغ دولبه قرار گرفته و با هر اشتباه نا سنجیده ای ممکن است اوضاع از دست شان خارج شود و به دام مردم تشنه سرنگونی رژیم بیفتند و راه فراری برایشان باقی نماند. با توجه به آن، از سالها قبل تا کنون، حفظ بقای رژیم، به صدر استراتژی اصلی آنها کشیده شد و از آن پس تا کنون مضحکه «انتخابات» رژیم هم، صرفا در چوار چوب مردم صف کشیده در برابر دوربینها برایشان تجلی شد و معنی پیدا کرد. چون روز بعدش همین رأی دهندگان معترض را در محل کار و زیست شان به رگبار گلوله می بندند و می کشند. با توجه به آن، صحنه مضحکه «انتخابات»، صرفا در چوار چوب صف کشیدن در محل صندوقهای «انتخابات»، است تا از تصاویرشان به عنوان سند، به دوست و دشمن نشان دهند که ارگانهای حکومتی رژیم شان برآمده از رای واقعی مردم ایران است.

در صورتیکه علی خامنه ای و مجلس خبرگان رهبری طی ۴۴ سال عمر ننگین شان تمام گروه ها و جریانات و رؤسا هایی که اندک اعتراضی به آنها داشته باشند بلادرنگ از سر راه خود کنار گذاشته اند و بعضی هاشون را نیز بلحاظ فیزیکی حذف کرده اند. رژیم جمهوری اسلامی، تا کنون پول زیاد و مخارج هنگفتی را در ازای بقای ننگین اش صرف کرده و معترضین زیادی بصورت فردی و جمعی از دم تیغ گذرانده و به قتل رسانده است. مضافا، همواره تلاش نموده است که با انواع ترفند و اراجیف و خزعبلات ماهیت واقعی و ضد کارگری و ضد مردمی خود را به جامعه ایران تحمیل کند تا در پرتو آن خواستههای بر حق اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، و اجتماعی مردم انقلاب کرده را به راحتی ببلعد و بدینوسیله فقر و ناداری و ناامنی کم نظیر و طاقت فرسا را بر جامعه ۸۵ میلیونی ایران تحمیل نماید.

متأسفانه این رویداد باور نکردنی تا کنون با خسارات جانی و مالی بسیار سنگینی علیه بخش اعظم جامعه ایران، به وقوع پیوسته، و در تداوم خود یک زندگی فلاکتبار و اندوهگین را بر مردم کارگر و آزادیخواه ایران، تحمیل کرده است. که متأسفانه بازنگری جامع آن در همچون نوشته ای کوتاه امکانپذیر نیست. با توجه به آن، تاریخا ضروریست اشاره کنم که هیچ رژیمی به تنهایی قادر به اتخاذ و اجرای چنین رویداد سهمگینی علیه مردم یک کشور نیست و نخواهد نبود. امروزه بعضی از ناراضیان خودی رژیم برای بری کردن خود از این رویداد سهمگین، صرفا آنرا به یک جناح راست حاکم بر مردم پاس میدهند تا بلکه بدینوسیله شانس فرار از عواقب آنرا برای خود دست و پا کنند. ولی از فرار معلوم تحمیل اینهمه فقر و کشتار و استبداد و خفقان، و اینهمه تحقیر و اهانت و بی حرمتی در حق کودکان، زنان، کارگران، بازنشستگان، معلمان و...، به تنهایی کار یک جناح رژیم نبود و نیست. نشخوار تعدیل رژیم، و «اصلاحات در قانون رژیم»، و روایات آخوندیزه کردن و خوب و بد و اهلی و دگر اندیش کردن و قانونمند نشان دادن شان و به خورد مردم دادن هر یک از آنها و...، به تنهایی توسط یک بخش یا یک جناح از اسلام سنگدل و آدمکش رژیم صورت نگرفته است. برای تاریخ ضروری است یادآور شوم که علاوه بر هر دو جناح رژیم، تمام خودبیهای رانده شده از حاکمیت، مثل مجاهدین انقلاب اسلامی، جبهه ملی، نهضت آزادی، و دیگر جریانات و محافل اسلامی رانده شده توسط رژیم، به اضافه مجاهدین خلق، حزب توده و فدائیان اکثریت و محافل مختلف دیگری از جمهوری خواهان ملی-اسلامی و... در دوره های مختلفی برای حمایت از رژیم و مشروعیت دادن سیاسی به آن، سنگ تمام گذاشتند و از هیچ تلاشی برای آن کوتاهی نکردند. مردم ایران فراموش نخواهند کرد که،

حربه «انتخابات» و کابوس همیشگی رژیم جمهوری اسلامی

عبداله دارابی

یازدهم اسفند ۱۴۰۲، دوازدهمین دوره «انتخابات»، مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره مجلس «خبرگان رهبری»، رژیم آغاز میشود.

در رابطه با مضحکه «انتخابات»، اولین سئوالی که به ذهن هر آدمی خطور می کند این است که، چرا رژیم جمهوری اسلامی ایران و همپالگی های اش، همواره در پروسه برگزاری «انتخابات»، وحشت زده شده و آشکار و نهان در مواردی نیز راجع به حذف یا تأیید کاندید ها به چانه زنی و سازش با همدیگر پرداخته تا نگذارند مردم در کمین نشسته مناسک شان را رو سرشان خراب کنند و آترا بهم بریزند؟.

چون مردم آزادیخواه ایران، همواره از تحمیل رژیم بر جامعه، چون وصله ای ناجور بر پیکرشان به آن نگریسته و آنرا با تمام شئونات زندگی خود بیگانه و غیر خودی احساس کرده اند. مبنا و پایه واقعی این ترس و وحشت رژیم از مردم، از همین جا نشأت میگیرد و میروید تا سایه شوم آنرا برای همیشه از زندگی خود دور کنند و آنرا به بسان رژیم مستبد و استعمارگر سلطنت، به گور بسپارند. بیم آنرا داشتند که روزی مثل امروز، مردم آزادیخواه و بپا خواسته ایران، صریح و بی ابهام در برابر افکار عمومی جهان فریاد زنند که، رأی بی چون و چرای ما سرنگونی انقلابی تام و تمام نظام اسلامی سرمایه داران حاکم بر ایران است، تا با دستان خود بر ویرانه های آن، دنیایی آزاد و برابر و بری از هرگونه ظلم و ستم و استثمار بر پا داریم و یک بار برای همیشه با تکیه بر هویت انسانی خود استوار و محکم، طعم و مزه یک زندگی واقعی و انسانی را به عموم جهانیان نوید دهیم.

افکار عمومی ایران و جهان بر این امر واقف هستند که رژیم جمهوری اسلامی طی ۴۴ سال اخیر همواره از حربه «انتخابات»، علیه مردم نهایت بهره را برده و به موازات حربه سرکوب، آنرا چون پتک سنگینی بیوقفه بر روح و روان مردم کوبیده است تا اذعان کنند جامعه ایران، اسلامی است و اطاعت از قوانین قرون وسطایی اش مفروض و ضروری است. چون حاکمان جهل و جنایت آن نیز بعنوان نمایندگان خدا بر مردم نازل شده اند تا آنها را چون برده گان بی اختیار و بی جیره و موجب تحت الشعاع خود قرار دهند و بی چون و چرا از دستورات شان اطاعت و فرمانبرداری کنند.

بر اساس همین نگرش بود که خمینی گفت: «اقتصاد زیر بنای الاغ» است. با رواج دادن همین سخنان بی پایه و بی اساس بود که رفاه و شادی کارگران و مردم زحمتکش را با فقر و سیه روزی جایگزین کنند. در نظام جمهوری اسلامی هیچگاه «انتخاب «رؤسا و سران بلند پایه رژیم، چون رئیس جمهور ها، و رؤسای مجلس و غیره... جای نگرانی آنچنانی برای سردمداران اصلی رژیم مانند «رهبر یا رئیس مجلس خبرگان رهبری»، پیدا نکرد و بخاطر آن رقابت را به جایی نکشاندند که حول آن کار به زد و خورد بین جناحهای مختلف رژیم بیانجامد و اوضاع سیاسی جامعه حول آن چنان قطبی شود که مهار کردن اش برایشان غیر ممکن باشد. حتما به یاد دارید که در دوره کاندیدا شدن محمد خاتمی برای رئیس جمهوری، به توصیه علی خامنه ای جناح راست از معرفی کردن کاندیدای خود در مقابل خاتمی سر باز زد و کاندیدای خود را برای انتخابات معرفی نکردند. چون از آن وحشت داشتند که مردم به بهانه «انتخابات»، با شعار علیه کلیت رژیم، به خیابانها بریزند و اوضاع را از دست آنها خارج کنند. بهمین خاطر بود که اکثریت رأی دهندگان بخاطر تضعیف کردن کل حاکمیت، به خاتمی رأی دادند و یکسال نگذشت همین مردم رأی دهنده از خاتمی هم عبور کردند و به بی کفایتی آن نیز اعتراض نمودند.

با علم به این واقعیت، رهبر و تیم رهبری کننده اش در مجلس خبرگان رژیم، همواره بر این امر واقف بوده اند که حاکمیت باد آورده آنها به

در دادگاه های مردمی محاکمه کرد تا به درس عبرت برای هزاران آدم ستمگر و انسان کش دیگر در سراسر جهان تبدیل شود .

باید باز هم اعلام کنید که رأی شما سرنگونی تام و تمام جمهوری اسلامی است.

کارگران در صف اول مبارزه علیه رژیم، با صدای بلند اعلام کرده اند؛ «ما دیگر رأی نمیدهیم!»

زیر چتر این طبقه اصلی و این صاحب خانه اصلی جمع شوید و با رویارویی فعال با مبلغین آن و شکست دادن قطعی پروژه رژیم، راه سرنگون کردن آنرا هموار سازید.

عبداله دارابی ۲۰۲۴-۰۲-۱۵



قوریه ۲۰۲۴
بهمن ۱۴۰۲

اعتراض انقلابی علیه مضحکه " انتخابات "
حکومت اسلامی باید برود!

زمان باقیمانده تا روز " انتخابات"، فرصتی برای اعتراض فعال با هدف شکست تبلیغات و مانورهای انتخاباتی رژیم است که هم اکنون شروع شده است. اجازه ندهیم در هیچ دانشگاه، منطقه در شهر و روستا، مزدوران حکومتی معرکه "انتخاباتی" راه بیندازند. همه جا پوسترها، بیلبوردها و تبلیغات این مرتجعین و فرصت طلبان را پایین بکشیم و آتش بزنیم. اجازه ندهیم این اوباش سیاسی و نظامی روی سنگ فرش خون و پیکر جانباختگان ما راه بروند و رژیم آدمکشان اسلامی را قوت کند. این جنایتکاران در موقعیت "انتخاب" شدن نیستند؛ دسته جمعی باید به جرم جنایت علیه مردم محاکمه شوند. فراخوان ما اینست مناسبت "انتخابات" را به اعتراضی همه جانبه تبدیل کنیم و برای سرنگونی انقلابی کل بنیادهای حکومت استبداد و استثمار سنگرهایمان را محکم کنیم!

حربه «انتخابات» و کابوس همیشگی رژیم جمهوری اسلامی

عبداله دارابی

رژیم جمهوری اسلامی ایران، با کمک و حمایت گرم آمریکا و دول غرب از یکسو، و تلاش شبانه روزی جریانات و محافل فوق الذکر، توانست رو گرده مردم ایران سوار شود و به بلای خانمان سوز و ویران کننده جامعه ایران و کل منطقه خاورمیانه تبدیل شود. با توجه به آن، پیشاپیش باید با تأیید و تأکید کامل روی دست آورد های تا کنونی تان در همه زمینه ها، بویژه پیشروی تان در امور زنان، به عدم شرکت آشکار و علنی تان در مضحکه «انتخابات»، پا پیش بگذارید و تثبیت و پایداری سفت و سخت رزمتان علیه رژیم جهل و خرافه را در سطح گسترده تری به افکار جهان اعلام کنید. بایستی از اکنون تا روز برگزاری مضحکه «انتخابات»، که فرصت زیادی باقی نمانده، علیه برچیدن کل بساط این حربه فریب و تحمیق، به میدان آمد و آنرا رو سرشان خراب کرد. ضروریست از همین امروز با افتخار و سرافرازی کامل و با پختگی و کسب تجارب بیشتر چون سیل خروشان به خیابانها سرازیر شد و با تمام توان علیه مضحکه «انتخابات»، دست بکار شوید و عملاً پایان و ختم آنرا اعلام کنید. با صدای بلند فریاد برآوردید که جمهوری اسلامی ایران را نمی خواهیم. با صدای بلند اعلام کنید که باید سران آدمکش رژیم جمهوری اسلامی را به جرم جنایت علیه بشریت

افغانستان"، کمکهای مستمر آمریکا برای سرپانگاهداشتن طالبان، موبد این است که "حقوق بشر" در قاموس دولتهای دمکرات تا چه حد کذب است.

اما تاریخ را نیروهای ارتجاعی و میلیتاریسم آمریکا نمیسازد. تاریخ را نیروهائی میسازند که با تکیه بر اراده آگاهانه و سازمانیافته برای تغییر انقلابی اوضاع مبارزه می کنند. طالبان ها در افغانستان و ایران به گذشته تعلق دارند، آینده از آن نیروهائی است که پرچم مبارزه برای آزادی و برابری و یک زندگی مرفه را برافراشته نگاهداشته اند. این جنگ بطور روزمره در ایران علیرغم توحش اسلامی و قربانیان بیشمار در جریان است و بدون شک در افغانستان و کشورهای منطقه زنان و مردان برابری طلب و اردوی آزادیخواه سلطه دولتهای مرتجع قومی و مذهبی را نمی پذیرند. اگر در ایران یک دولت کارگری سر کار بود، به یاری شما برای در هم کوبیدن طالبان می آمد.

حزب کمونیست کارگری - حکمیتست در ایران همراه با طبقه کارگر و زنان و مردان آزاداندیش در کنار شماست. ما در آستانه روز جهانی زن، به مقاومت و مبارزه شجاعانه شما همسنگران درود میفرستیم و دست تان را بگرمی میفشاریم. یک سیاست ما در اینروز همبستگی مبارزاتی با زنان و مردم مبارز افغانستان برای رهائی از اوضاع موجود است. اگر طالبانها در تهران و کابل پشت شان به دول ارتجاعی سرمایه است، در نبرد برای آزادی و برابری، مردم آزادیخواه جهان از تهران و بیروت و بغداد تا پاریس و برلین و لندن در کنار جنبش ما هستند.

مبارزه ادامه دارد، سلطه طالبانها را نمی پذیریم و سرنگون شان میکنیم. مرگ بر طالبان چه در کابل چه تهران!

زنده باد ۸ مارس!

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!
حزب کمونیست کارگری ایران- حکمیتست

۵ فوریه ۲۰۲۴ - ۱۶ بهمن ۱۴۰۲

پیام حزب کمونیست کارگری - حکمیتست به

زنان مبارز و مردم آزادیخواه افغانستان

مرگ بر طالبان، چه در کابل چه تهران!

یک سیاست محوری حزب کمونیست کارگری - حکمیتست همبستگی عمیق با مبارزه زنان مبارز و پیشرو افغانستان است که شجاعانه در مقابل یکی از واپسگراترین حکومتهای ضد زن قد علم کردند و در این مسیر بیشترین ضربه را متحمل شدند. جنبش آزادی زن در ایران، که حجاب اسلامی این بیرق فرودستی زن را به آتش کشیده است و می رود که رژیم اسلامی را دفن کند، متحد شماست. زنان در افغانستان قربانی ارتجاع داخلی و منطقه ای و بین المللی اند و هر مبارزه ای برای رهائی از وضع موجود در گرو مواجهه با این نیروهای ارتجاعی و ضد زن و ضد جامعه است.

ما با نگرانی تشدیدت تهاجم طالبان به زنان و تروریزه کردن بیشتر جامعه را دنبال می کنیم. به نظر ما مبارزه زنان در افغانستان، هرچند در موقعیتی بشدت نابرابر، تنها نقطه روشن در سیاست این کشور است. ما عمیقاً بر این باوریم که سرنوشت زنان و مردم محروم در ایران و افغانستان و کشورهای منطقه به هم گره خورده است و امر آزادی در هر سطحی در گرو یک همبستگی مبارزاتی علیه نیروهای ارتجاعی اسلام سیاسی و جریانات قومی و دولتهائی است که در تداوم اوضاع کنونی ذینفعند. تحویل دولت اسلامی اشرف غنی به "امارت اسلامی" طالبان، یک معامله کثیف دولت آمریکا و ناتو با طالبان با حمایت دولتهای پاکستان، جمهوری اسلامی، چین و روسیه بود. اشرف غنی فرار کرد و بخش مهمی از هیئت حاکمه فاسد افغانستان در این معامله کثیف علیه مردم شریک شد. شما تنها ماندید با صفی از جنایتکاران حامی و شریک طالبان. محو کردن مجدد زنان از جامعه، حمله به هر ذره از حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی، بستن مدارس و ممنوعیت آموزش و هر جلوه از زندگی تحت پرچم دروغین "صلح در

نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی!



حق مردم ستم‌دیده فلسطین را نباید قبول کرد. جهانی که سود و منفعت دولتهای سرمایه داری حرف اول را می زند، و برای سهم بیشتری از آن جنگهای خانمانسوز راه می اندازند، نژاد، ملت و تحریک نژاد پرستی به ابزار پیشبرد این سیاستهای جنایتکارانه تبدیل شده است.

هدف دولت اسرائیل از ادامه جنگ در غزه

آغاز جنگ دولت نژادپرست اسرائیل از ۷ اکتبر علیه مردم فلسطین در غزه ، ادامه

سیاست تجاوزگرانه و اشغالگرانه دولت اسرائیل در جنگ شش روزه در ۱۹۶۷ است که منجر به اشغال سرزمینهای فلسطینی و بلندیهای جولان شد. از آن زمان تا کنون سیاستهای فاشیستی دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین ادامه داشته و هر نوع تلاشی برای حل بحران فلسطین و تشکیل دولت مستقل فلسطینی را به بن بست رسانده اند. دولت اسرائیل علارغم مخالفت جامعه جهانی با سیاست اشغال، طی سالهای گذشته با ارائه کمکهای مالی و تخفیف مالیات و انواع خدمات، یهودیان را تشویق به شهرک سازی در سرزمینهای اشغالی مردم فلسطین کرده و آنان را کوچ اجباری داده اند. جریان تروریستی حماس که دولت اسرائیل "قصد نابودی آن را دارد"، ساخته دست دولت نژاد پرست اسرائیل برای حاشیه کردن جنبش واقعی مردم فلسطین، و جریان الفتح و حاشیه ای کردن خواست مردم برای تشکیل دولت مستقل فلسطین است.

گفته می شود که دولت اسرائیل با اشغال سرزمینهای فلسطینی سالانه صدها میلیارد دلار از ذخایر گازی و منابع طبیعی نفع می برد. دریای مدیترانه در حاشیه غزه سرشار از منابع گازی و نفتی است که دولت اسرائیل تا کنون از آن بی بهره بوده است. اشغال و کشتار و کوچ اجباری مردم از غزه این هدف دستنهایی به این منابع را برای دولت اسرائیل نیز تامین می کند. هدف دولت اسرائیل از ادامه این جنگ در صورتی که به این اهداف دست یابد، اشغال تمامی غزه و کرانه باختری و کوچ اجباری مردم به مناطق دیگر است. دولت اسرائیل رسماً اعلام کرد که حاضر است بخشی از هزینه اسکان مردم غزه در کشورهای دیگر را متقبل شود.

از این جنگ تنها اسرائیل نفع نمی برد. دولت اسرائیل که پنجمین قدرت نظامی در منطقه است، با کمک دولت امریکا به یکی از پایگاههای مهم نظامی امریکا در منطقه تبدیل شده است. با این وجود بدون حمایت مالی و نظامی امریکا و چراغ سبز دولتهای اروپایی ادامه جنگ در این ابعاد برای دولت اسرائیل تا کنون میسر نبود. آغاز جنگ در غزه پای نیروهای نظامی امریکا و هم پیمانانش را دوباره به منطقه وسیعاً باز کرد. به بهانه حملات هوایی ها در دریای سرخ، کشتی های جنگی و نیروی بیشتری را به منطقه گسیل دادند. افول قدر قدرتی امریکا، بخصوص بعد از عقب نشینی از افغانستان، جنگ کنونی، امکان جبران ضعف و حضور امریکا و هم پیمانانش را در منطقه ممکن کرده است. با اعلان حمله به رفح هم مرز با کشور مصر، ارتش این کشور نیز در صحرای سینا آرایش نظامی به خود گرفته و صدها تانگ و نیروی فراوانی برای مقابله احتمالی با ارتش اسرائیل به صحرای سینا گسیل داده اند.

جنگ دولت نژاد پرست اسرائیل علیه مردم فلسطین هر چه زودتر باید پایان یابد. جهان متمدن و مردم آزادیخواه علیه سیاست نژاد پرستی و اشغالگری دولت اسرائیل باید هر چه پیشتر به صدا درآیند و مانع ادامه کشتار و آوارگی مردم فلسطین شوند. بازگشت مردم فلسطین به سرزمینهای اشغالی حق مسلم آنان است و باید وسیعاً از آن حمایت شود. طرح دولت مستقل فلسطین تنها راه پایان دادن به ستم و آوارگی مردم فلسطین و بحران فلسطین است.

نابودی حماس، "یا نسل کشی و کوچ اجباری مردم فلسطین"

رفح در چند قدمی مرگ

سعید یگانه

بیش از چهار ماه از حمله ارتش اسرائیل به غزه و کشتار و آوارگی مردم فلسطین می گذرد. اکنون نباید تردیدی وجود داشته باشد که هدف دولت نژادپرست و اشغالگر اسرائیل از این جنگ، "اساساً نه نابودی حماس" که نسل کشی و کوچ اجباری مردم ساکن غزه است، چنانچه در نتیجه ادامه جنگ وحشیانه ارتش اسرائیل، بقیه ساکنین غزه جان سالم به در ببرند. علارغم اعتراض و وسیع جهانی از جانب مردم آزادیخواه به این جنایت و رای دادگاه بین المللی به نسل کشی در غزه که بلافاصله مورد اعتراض دولت امریکا و شرکایش قرار گرفت، و بی نتیجه ماندن تلاش برای پایان جنگ و آزادی گروگانهای اسرائیلی و زندانیان فلسطینی، نتانیاهورئیس دولت نژادپرست اسرائیل به ارتش دستور داده است که خود را برای حمله به رفح، آخرین شهر در باریکه غزه که یک ونیم میلیون مردم آواره را در خود جای داده است آماده باشند.

تصمیم دولت فاشیست اسرائیل برای حمله به رفح جان بیشتر از یک میلیون مردم آواره غزه را به مرگ و نابودی تهدید می کند. ابعاد جنایات جنگی توسط دولت و ارتش اسرائیل آنچنان فاجعه بار است که "مدافعین تاکتونی دولت اسرائیل در این نسل کشی"، از ادامه جنگ و وقوع فاجعه بزرگتر در حمله به رفح به نتانیاهورئیس هشدار داده اند و سازمان ملل نگرانی خود را از بروز این فاجعه انسانی ابراز کرده است.

"معاون دبیر کل سازمان ملل در امور بشر دوستانه و رئیس بخش امداد رسانی این سازمان در بیانیه ای گفته است که مردم در رفح مانند بقیه جمعیت غزه قربانی تهاجمی هستند که از نظر شدت، بی رحمی، و گستردگی بی مانند است. او گفته که عواقب تهاجم به رفح فاجعه بار خواهد بود و در این بیانیه گفته است که رفح با بیش از یک میلیون نفر آواره مملو از مردمی است که "به مرگ خیره شده اند". او گفته است که مردم به سختی به غذا و دارو دسترسی دارند و مکان امنی وجود ندارد که مردم به آنجا پناه ببرند".

وقتی سازمان ملل این چنین از عمق وقوع یک فاجعه در رفح گزارش می دهد و اظهار نگرانی می کند، باید اضافه کرد که عمق فاجعه انسانی و رنجی که مردم غزه متحمل می شوند باید بسیار بسیار وخیمتر از آنچه است که سازمان ملل گزارش می کند. این در شرایطی است که تاکنون نزدیک به ۵۰ هزار نفر از مردم غزه از آغاز جنگ تا کنون جان خود را از دست داده اند و هزاران زخمی بجای گذاشته است. طبق برآوردی رفح ۲۵۰ هزار نفر جمعیت دارد که هم اکنون به یک ونیم میلیون افزایش یافته .

بستر اصلی رسانه ها این روزها دیگر کمترین خبر از وقوع این جنایات به روی صحنه تلوزیون می آورند. سانسور میکنند یا با سمپاتی به دولت اسرائیل از غزه گزارش می دهند. در سایه خفقان رسانه ای دولت و ارتش اسرائیل به هر جنایتی در غزه دست می زنند. راست سلطنت طلب نه تنها از این جنگ خشنود است و در جانب دولت اسرائیل ایستاده است، بلکه آرزوی حمله به ایران را نیز در سر می پروراند. تلوزیون انترنشنال به بلند گوی دولت اسرائیل تبدیل شده و با بی طرفی از این همه جنایت چشم پوشی می کنند.

تهدید بیش از یک میلیون انسان به مرگ جلو چشم جهانیان فقط به دلیل اینکه آنها مردم دیگرند، از نژاد دیگرند و قدرت دفاع از خود را ندارند باید به حساب چه چیزی گذاشت. هیچ توجیهی برای این همه جنایت در

مرگ بر سرمایه داری!

به قاتلین و شکنجه‌گران آزادیخواهان، به زندانیان و استعمارگران، به اوباش سیاسی و نظامی حکومت اسلامی "رای" نمیدهیم بلکه همه جا پوسترها، بیلبوردها و تبلیغات این فرصت‌طلبان و کاسه‌لیسان را پائین بکشیم و آتش بزنییم. نباید اجازه بدهیم این اوباش سیاسی و نظامی روی سنگفرش خون و پیکر جانباختگان و عزیزان ما راه بروند و رژیم آدمکشان اسلامی را مَرمت کنند. فراخوان ما اینست مناسبت "انتخابات" را به اعتراضی همه جانبه تبدیل کنیم و برای سرنگونی انقلابی کل بنیادهای حکومت استبداد و استعمار سنگرهایمان را محکم کنیم. این جنایتکاران در موقعیت "انتخاب" شدن نیستند؛ دستجمعی باید بجرم جنایت علیه مردم محاکمه شوند. حکومت اسلامی باید برود!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۶ بهمن ۱۴۰۲ - ۵ فوریه ۲۰۲۴

اعلامیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در باره "انتخابات" رژیم اسلامی

مردم رأی‌شان را داده اند:

سرنگونی انقلابی تمامیت نظم اسلامی

سرمایه داران!

فرصت باقیمانده تا ۱۱ اسفند ۱۴۰۲، موعد "انتخابات" دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره مجلس "خبرگان رهبری"، مجالی برای یک تعرض انقلابی به کلیت حکومت اسلامی است. فرجه ای برای حمله به حکومت اعدام، به نمایش مُضحک صف قاتلین و شکنجه‌گران و سرمایه‌دارانی که خون مردم را در شیشه کردند، به کل باندهای حکومت که مستقل از اختلافات میکروسکوپی و درون خانوادگی‌شان جملگی در حفظ نظام اسلامی ذینفعند. امکانی برای عقب راندن رژیم و شکست تمام عیار آن و دورخیزی مجدد برای به گور سپردن جمهوری اسلامی.

از منظر مردم و جامعه ای که تغییر میخواهد، انتخابات در ایران هیچوقت معنا نداشته است و آنجا هم که بخشهایی از جامعه به منطق "انتخاب بین بد و بدتر" تاسی کرده‌اند، حاصلی جز بدترین ندیده‌اند. بعد از برآمد انقلابی شهریور ۱۴۰۱، هر کسی و هر جریانی که از "انتخابات" و دخیل بستن به "صندوق رأی" با هر روایتی سخن میگوید، کارگزار خامنه ای است. سوال واقعی برای باندهای حکومتی هم "انتخابات" نیست، بلکه تقسیم مجدد قدرت و دسترسی به منابع چپاول است. سوال مهمتر برای آنها بقای نظام و کسب مشروعیت فرمال حقوقی است. همه‌شان میدانند که اکثریت عظیمی از دین و آئین شان بیزارند، میدانند اگر دست مردم برسد نسل‌شان را برمی‌دارند، میدانند ارزنی برای آخوند و دایناسورهای مجلس خبرگان و آدمکشان و شکنجه‌گرانی که در هیأت وکیل مجلس ظاهر میشوند قائل نیستند. سوال مردم انقلابی اما برهم زدن بازی بالائی‌ها و برگرداندن ورق سیاست به نفع پائینی‌ها است. سوال مردم رفتن بسوی انقلاب اجتماعی است. مشغله جامعه تمام کردن کار ناتمام است. لذا باید سیاست و تاکتیک فعالی در برخورد به "انتخابات" داشت که پاسخگوی این نیازها باشد، با دوره انقلابی و موقعیت بحرانی و شکننده رژیم اسلامی، با تناسب قوای واقعی در جامعه و صف بندی طبقاتی لحظه حاضر منطبق باشد.

یک سیاست انقلابی در برخورد به "انتخابات"، عدم شرکت وسیع و دخالت فعال است. ما از "تحریم" سخن نمی‌گوییم، این حکومت و انتخاباتش مادون تحریم است، ما از عدم شرکت و به شکست کشاندن قدرتمند این مضحکه سخن می‌گوییم. امروز هر باندی از اصلاح طلب تا دیگر مغضوبین حکومتی تا اپوزیسیون حاشیه رژیم از مُکلا تا ملیگرا، هر کسی از انتخابات با هر شرایطی حرف می‌زند باید مورد هجوم زنان و مردان انقلابی باشد. کارگران در صف اول با صدای بلند اعلام کرده اند؛ "ما دیگر رای نمیدیم!" خیلی از آنها قبلتر هم در این نمایش شرکت نکردند، آنها دارند جهت عمومی جامعه را اعلام میکنند. با عدم شرکت وسیع و قاطع در سیرک جنایتکاران و رویارویی فعال با مبلغان آن و شکست دادن پروژه رژیم، راه سرنگونی را هموار می‌کنیم.

فراخوان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست اینست فرجه کنونی را به حرکتی اعتراضی و فعال برای شکست تبلیغات و مانورهای انتخاباتی رژیم بدل کنیم. اجازه ندهیم در هیچ دانشگاه، مناطق در شهر و روستا، معرکه "انتخاباتی" راه بیاندازند. باید صریح و قاطع و انقلابی به هر کسی که در این نمایش کاندید میشود هشدار داد در کنار خامنه ای‌ها و قاتلین فرزندان ما ایستاده اند و باید پاسخگو باشند. نه فقط

مرگ بر جمهوری اسلامی!

فوریه ۲۰۲۴
بهمن ۱۴۰۲

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker Communist Party of Iran
-Hekmatist

فراخوان کارگران به جامعه در باره "انتخابات"

ما دیگر رأی نمی‌دهیم!

کارگران در صف اول با صدای بلند اعلام کرده‌اند؛ "ما دیگر رأی نمی‌دهیم!" کارگران جهت عمومی جامعه را اعلام کرده‌اند. با عدم شرکت وسیع و قاطع در سیرک جنایتکاران، رویارویی فعال با مبلغان آن و شکست دادن پروژه رژیم، راه سرنگونی را هموار می‌کنیم!

فوریه ۲۰۲۴
بهمن ۱۴۰۲

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker Communist Party of Iran
-Hekmatist

مردم رأی‌شان را داده‌اند:

سرنگونی
انقلابی تمامیت
نظام اسلامی
سرمایه‌داران!

هشت مارس روز جهانی زن!

فریده عبدی



معترضین، شکنجه و تجاوز به زندانیان و افزایش روند اعدامهای لجام گسیخته سعی در سرکوب اعتراضات زنان و مردانی دارد که حاکمیت فاشیست و آپارتاید جنسیتی جمهوری اسلامی ایران را نمیخواهند و خواهان سرنگونی آن هستند.

امسال ۸ مارس تقریباً مصادف شده است با برگزاری انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره

مجلس خبرگان در ایران، که قابل پیش بینی است با فضایی بسیار ملتهب همراه خواهد بود. وحشت حکومت جمهوری اسلامی ایران با توجه به وضعیت شکننده و حساس حکومت در داخل ایران با نارضایتی مردمی روبرو است که مطالبات آنها سرنگونی جمهوری اسلامی است و این حکومت را به وحشت انداخته است که مطمئناً با تدابیر امنیتی شدید همراه خواهد بود. اما واضح است که زنان و دختران مبارز و آزادیخواه ایران برای رسیدن به آزادی و رهایی از اسارت آپارتاید جنسیتی به مبارزات خود ادامه خواهند داد و مصمم تر از هر زمان دیگری تا رسیدن به آزادی از پای نخواهند نشست.

انقلاب در ایران یک انقلاب زنانه است. انقلابی که ایران را به صحنه هجوم عظیم ضد اسلامی مردم تبدیل کرده است و مطالبات آن، سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی ایران است. حکومتی که ماهیت ضد زن بودن آن با سرکوب آزادی زنان تحت لوای حجاب اجباری، ضدیت با حقوق مدنی زن، مخالفت با آزادی ابراز وجود زنان در جامعه، عزم و اراده مردم انقلابی بالاخص زنان مبارز ایرانی را بر این داشته است که در پس زدن ارتجاع اسلامی و سنتهای تحمیلی اسلامی تا سرنگونی جمهوری اسلامی ایران از پای ننشینند.



این خیزش به مدت چند ماه به یک اعتراض سراسری در ایران تبدیل شد که نه تنها زنان بلکه مردان به صورت گسترده در سراسر ایران به خیابانها ریختند و خواهان سرنگونی حکومت ضد زن شدند. در جریان این خیزش زنان و مردان بسیاری در خیابانها به گلوله بسته شدند و هزاران زن و مرد دستگیر، زندانی، شکنجه و اعدام شدند. انفجار عظیم خشم مردم ایران و به خصوص زنان در خیزش زن، زندگی، آزادی و ادامه آن تا به امروز نه تنها پایه های حکومت جمهوری اسلامی ایران را سست و متزلزل کرد، بلکه جهان را متوجه کرد که حکومت جمهوری اسلامی ایران هیچ مشروعیتی نزد مردم مبارز و آزادیخواه ایران ندارد. وعملاً شیپور پایان اسلام سیاسی را در ایران به صدا درآورد.

این خیزش با بازتاب جهانی که داشت توانست حمایت تمام مردم دنیا را به خود جلب کند و مهمتر از آن زیر سوال بردن مشروعیت حکومت جمهوری اسلامی ایران بود که طی تمام سالهای حاکمیت خود تلاش در حفظ مشروعیت خود در عرصه جهانی داشت. با عریان شدن چهره واقعی حکومت ضد زن جمهوری اسلامی ایران انزجار مردم و دولتهای بین المللی بر علیه آپارتاید جنسیتی حاکم در ایران، منجر به نشست ویژه شورای امنیت سازمان ملل و تشکیل هیئت حقیقت یاب شورای حقوق بشر سازمان ملل برای بررسی نقض حقوق معترضان و لغو عضویت جمهوری اسلامی ایران از کمیسیون مقام زن سازمان ملل شد. سرکوب اعتراضات توسط حکومت ضد زن جمهوری اسلامی ایران نقض واضح حقوق بشر بوده و هست، که هر روز بیشتر از روز قبل با افزایش دستگیری و زندانی کردن

قوره ۲۰۲۴
پهمن ۱۴۰۲

حزب کمونیست لائری ایران - کمونیست
Worker-Communist Party of Iran
Hekmatist

نوبت زنان است!

وقت تعرض وسیعتر به حکومت ضد زن است!

سران ریز و درشت رژیم اسلامی در مناسبت انتخابات به عجز و لایه افتاده اند. می خواهند دندان روی جگر بگذارند و تاکتیکی این دو سه هفته را سخت گیری نکنند. حالا نوبت ماست که تعرض کنیم. نمیتوانند هم سرکوب کنند و هم تشویق به شرکت در انتخابات کنند.

حجاب اسلامی نمیخواهیم! حکومت ضد زن نمیخواهیم! همه قوانین ضد زن ملغی باید گردند! حکومت آپارتاید جنسی سرنگون! به یک ذره کمتر از برابری کامل زن و مرد رضایت نمی دهیم! دوری و نزدیکی جنس آزادی زن در ایران به هر حزب و نهاد و جریان تابعی از دفاع یا عدم دفاع آنها از برابری کامل و بقید و شرط زن و مرد است!

کارگر، معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض!



شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست:

مردم رای شان را داده اند! سرنگونی، نه شرکت در؛ انتخابات!

رای گیری برای **مجلس خبرگان** و مجلس شورای اسلامی همواره برای تقسیم غنایم و ثروت در بین جناح‌های مختلف حکومت اسلامی بوده است. در "انتخابات" جمهوری اسلامی که حتی ارزش تحریم و بایکوت را هم ندارد، ابتدا محدوده افراد و جناح‌هایی که شامل غارتگران ثروت می شوند از طریق هیات های نظارت و اجرایی و سپس شورای نگهبان تعیین می شوند و سپس تعدادی از آنها را از طریق صندوق رای بر می گزینند. با اعتراض تعدادی از حذف شدگان از سر سفره غارت و افشاگری آنها در مورد سیستم رای گیری و رای سازی، بمرور مردم بیشتری به صحت تحلیل های نیرو های انقلابی و سوسیالیست پی بردند که از طریق صندوق رای به هیچ یک از خواست های اساسی خود نمی توان رسید .

خیزش مردم ایران علیه کلیت رژیم در دیماه ۹۶ یک نقطه عطف در بی اعتنایی گسترده مردم به صندوق رای و انتخاب بین بد و بدتر بود. خیزش آبان ۹۸ و کشتار بیش از ۱۵۰۰ نفر طی چند روز در عین حال مرگ صندوق رای نزد بسیاری از متوهمین و جریانات نزدیک رژیم هم بود. در رای گیری دوم اسفند ۹۸ بی اعتنایی مردم به صندوق های رای بحدی بود که حتی ماشین رای سازی چند میلیونی رژیم هم نتوانست انرا جبران کند تا در تبلیغات خود انرا یک رای گیری موفق اعلام کند.

رای گیری در ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ اولین بساط رای پس از بزرگترین و گسترده ترین حرکت انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی در ۱۴۰۱ است. حرکت انقلابی مردم ایران در ۱۴۰۱ علیه کلیت رژیم تاکید مجددی بود بر اینکه مردم ایران برای دستیابی به خواست های خود باید رژیم اسلامی را بشیوه ای انقلابی سرنگون کنند.

هیچ یک از خواست های جنبش های اجتماعی و طبقاتی مردم ایران در چارچوب رژیم اسلامی بدست نمی آید. حتی رسیدن حداقل دستمزد کارگران به خط فقر که معنایش پنج برابر شدن دستمزدهاست هم نیاز به پایان عمر جمهوری اسلامی دارد . در رای گیری ریاست جمهوری ۱۴۰۰ که اولین رای گیری پس از بی اعتنایی گسترده مردم به رای گیری اسفند ۹۸ بود جمهوری اسلامی همه پرده ها را کنار زد و ابتدا ریسی را بعنوان رییس جمهور تعیین کرد و سپس کمپین و مناظره های انتخاباتی راه انداخت و بساط صندوق های رای را پهن کرد تا نام وی را بعنوان برنده اعلام کند .

رای گیری در رژیم اسلامی چیزی جز تعیین افراد و جناح های رژیم برای غارت و دزدی و اختلاس نیست. مردم ایران بیش از پیش به رای گیری در ۱۱ اسفند بی اعتنا خواهند بود و راه اعتصاب و تجمع و تظاهرات و در نهایت قیام را برای کنار زدن کل حاکمیت و دست یابی به خواست هایشان برگزیده اند و آن را ادامه خواهند داد .

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی ، زنده باد سوسیالیسم!**

۲۳ بهمن ۱۴۰۲ - ۱۲ فوریه ۲۰۲۴

امضاها: اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

فوریه ۲۰۲۴
بهمن ۱۴۰۲

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker Communist Party of Iran
-Hekmatist

فوریه ۲۰۲۴
بهمن ۱۴۰۲

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker Communist Party of Iran
-Hekmatist

مردم رأی شان را داده اند:

**سرنگونی
انقلابی تمامیت
نظام اسلامی
سرمایه داران!**

سیاست انقلابی در برخورد به " انتخابات "

یک سیاست انقلابی در برخورد به "انتخابات"، عدم شرکت وسیع و دخالت فعال است. ما از "تحریم" سخن نمی‌گوییم، این حکومت و انتخاباتش مادون تحریم است، ما از عدم شرکت و به شکست کشاندن قدرتمند این مضحکه سخن می‌گوییم. امروز هر باندی از اصلاح طلب تا دیگر مغضوبین حکومتی، از اپوزیسیون حاشیه رژیم تا مکلا و ملی‌گرا، هر کسی از انتخابات با هر شرایطی حرف می‌زند باید مورد هجوم زنان و مردان انقلابی باشد.

مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر!



اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

**اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی
تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر**

تجمع اعتراضی کارگران فولاد

صبح روز دوشنبه ۲۳ بهمن ماه ۱۴۰۲، بخشهایی از کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز با توقف تولید خطوط تولید و تجمع مقابل ساختمان معاونت امور اجتماعی دست به اعتراض زدند. کارگران در روز شنبه ۲۱ بهمن نیز برای ساعتی دست از کار کشیدند و به کارفرما اخطار دادند. این اعتراض در پی مهلت چند روزه کارگران به مدیریت شرکت برای اصلاح ثقلب موجود در برخی آئیم های حقوقی مربوط به اجرای طرح طبقه بندی مشاغل بود که دقیقاً برخلاف توافقات محاسبه شده است. همسان سازی دستمزدها برابر دریافتی شرکتهای فولادی همجوار و تعیین وضعیت کارگران بیمانی شفقی از دیگر خواستههای کارگران است.

تداوم اعتصاب و اعتراض کارگران گروه ملی فولاد اهواز

روز سه‌شنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۲، کارگران گروه ملی فولاد اهواز در تداوم اعتراضشان دست به اعتصاب و برگزاری تجمع زدند. در این روز نیز کارگران در مقابل تالار اجتماعات تجمع کردند. اعتصاب کارگران فولاد متحدانه تا امروز پنجشنبه ۲۶ بهمن ادامه دارد و کارگران بر اصلاح ایرادات فیشهای دیمه و اجرای توافقات برسر طرح طبقه بندی مشاغل، همسان سازی دستمزدها برابر دریافتی شرکتهای فولادی همجوار (فولاد اکسین) و تعیین وضعیت کارگران بیمانی شفقی تاکید دارند.

راهپیمایی اعتراضی کشاورزان اصفهان

کشاورزان اصفهان روز سه‌شنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۲ در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و مشکلات مربوط به خشکسالی در خیابان منوچهری راهپیمایی اعتراضی برپا نمودند.

تجمع سراسری بازنشستگان مخابرات کشور

روز دوشنبه ۲۳ بهمن ۱۴۰۲ جمع‌هایی از بازنشستگان مخابرات در شهرستان‌های اهواز، اصفهان، اردبیل، سنج، مریوان، قروه، اراک، تبریز، کرمانشاه، رشت، شیراز، ارومیه، تهران، همدان، بندرعباس، زنجان و ... در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی، مطابق تجمعات هر هفته دوشنبه‌های اعتراضی، مجدداً مقابل شرکت مخابرات دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی مشترک بازنشستگان کشوری و تأمین اجتماعی

روز سه‌شنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۲، جمع‌هایی از بازنشستگان تأمین اجتماعی، کشوری و فرهنگیان بازنشسته در سراسر کشور مجدداً در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان دست به تجمع زدند.

۹ نفر از فرهنگیان گیلان به دادگاه احضار شدند

شعبه سوم دادگاه انقلاب اسلامی رشت آقایان: انوش عادل، محمود صدیقی پور، عزیز قاسم زاده، تیمور باقری کودکانی و طهماسب سهرابی از اعضای هیئت مدیره کانون صنفی فرهنگیان گیلان، همچنین آقایان غلامرضا اکبرزاده باغبان، علی نهالی، محمدجواد

سعیدی و جهانبخش لاجوردی از فرهنگیان فعال صنفی را برای رسیدگی به اتهام "اخلال در نظم عمومی از طریق شرکت و برگزاری تجمعات صنفی و ترمز" در ساعت ۹ صبح دوشنبه ۲۳ بهمن ۱۴۰۲ احضار کرده است. لازم به ذکر است که آقایان انوش عادل، محمود صدیقی پور و عزیز قاسم زاده هم اکنون محکومیت یک ساله زندان را در زندان لاکان رشت می‌گذرانند.

پابند الکترونیکی برای محمدعلی زحمتکش، ایرج رهنما و افشین رزمجوئی

روز ۲۳ بهمن ماه ۱۴۰۲ سه تن از فعالین صنفی معلمان فارس که پیش‌تر برای اجرای حکم حبس خود در زندان عادل‌آباد به سر می‌بردند با پابند الکترونیکی آزاد و در واقع حبس خانگی شدند. لازم به ذکر است با آزادی همراه با پابند آقای غلامرضا غلامی کندازی دیگر معلم زندانی فارس موافقت نشد.

محکومیت سپیده رشنو

سپیده رشنو از نمادهای اعتراض آزادیخواهانه زنان علیه حجاب اسلامی، برای سه پرونده کذایی محکوم به زندان شده است و باید در روزهای آتی به زندان برود. در آستانه روز زن، حکومت ضد زن شمشیرش را علیه زنان تیز کرده است. ایران بیست میلیون سپیده دارد و همین نسل گور جمهوری اسلامی را فی الحال کنده است. سپیده‌ها در قلب مردم آزادیخواه جای دارند.

حکم حبس توماج صالحی تایید شد

حساب کاربری توماج صالحی با انتشار مطلبی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: اعتراض توماج به حکم یک سال حبس برای وی ویدئو اخیر رد شد. حکم یک سال حبس انتقام جویانه توماج صالحی که در دادگاه فرمایشی و مخفیانه بدون حضور وکیل و اطلاع قبلی صادر شده بود عیناً تایید شد.

بیخبری از آرش شهبازی

آرش شهبازی، ۳۴ ساله اهل تهران و از بچه‌های اکباتان است که از هنگام دستگیری تاکنون خبری از وی نیست. یک سیاست‌جناپکارانه جمهوری اسلامی "ناپدید فهری" مخالفین سیاسی است. جان ارش شهبازی در خطر است.

صدور حکم اعدام علیه شهاب نادعلی، زندانی متهم به "بغی"

شهاب نادعلی زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین تهران به اعدام محکوم شده است. شعبه ۲۶ دادگاه کذایی تهران به ریاست جانی ایمان افشاری، در تاریخ ۱۸ دی ماه سال جاری (۱۴۰۲) این زندانی ۴۱ ساله را به اتهام "بغی" از طریق آنچه که "عضویت در جمعیت‌های معارض کشور" خوانده شده به اعدام محکوم کرده است. شهاب نادعلی اهل همدان پیشتر در خرداد ماه سال جاری توسط اداره اطلاعات این شهر بازداشت و پس از مدتی به زندان اوین تهران منتقل شد. براساس دادنامه صادره از سوی شعبه ۲۶ دادگاه کذایی تهران، شهاب نادعلی به ارتباط با یکی از گروه‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی و همکاری مسلحانه با آنها متهم شده است. این اتهام در حالی است که بنا بر شواهد و مستندات پرونده، فعالیت‌های او کاملاً فردی بوده و به دلیل عدم استفاده از هرگونه سلاح یا فعالیت منجر به نتیجه تخریبی مصداق "بغی" نبوده است.

عدم رسیدگی پزشکی به وضعیت رضا شهبابی، داوود

درمان دندان‌هایش در خارج از زندان دارد.

اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

رضوی و حسن سعیدی

آقایان رضا شهبایی، داوود رضوی و حسن سعیدی از اعضای سندیکای کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد دوران محکومیت خود را در زندان اوین سیری می‌کنند، اما از رسیدگی مناسب پزشکی محروم مانده‌اند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، در گزارشی نوشته است: رضا شهبایی، داوود رضوی و حسن سعیدی، با وجود حال نامساعد جسمی، مورد بی‌توجهی مسئولان قضایی و مسئولان زندان اوین قرار گرفته‌اند. رضا شهبایی به دلیل جراحی مهره‌های گردن و کمر در دوره حبس قبلی و علیرغم تایید پزشکان زندان و بیمارستان طالقانی مبنی بر ضرورت جراحی فوری و اورژانسی کردن، دوران محکومیت خود را بدون یک روز مرخصی می‌گذرانند. آقای شهبایی که از فشار خون بالا و درد شدید در ناحیه گردن رنج می‌برد، با بهانه‌تراشی مسئولان همچنان از طی‌کردن مراحل درمان خود محروم است. داوود رضوی از بیماری‌های گوارشی و چشم و زانو رنج می‌برد و همچنان موفق به اخذ مرخصی درمانی نشده است. حسن سعیدی به دلیل بیماری لته و دهان اکثر زندان‌های خود را در زندان از دست داده و به دلیل بی‌توجهی زندانبان نسبت به رسیدگی به درمان دندان‌هایش، دچار مشکلات سوءهاضمه شده و نیاز فوری به

هشتمین هفته اعتصاب غذای زرتشت احمدی‌راغب در زندان

زرتشت احمدی‌راغب، کارگر سابق آتش‌نشانی اسلامشهر و زندانی سیاسی در هشتمین هفته اعتصاب غذای خود در اعتراض به پرونده سازی علیه او در زندان قزلحصار کرج به سر می‌برد. این زندانی سیاسی در پی عوارض اعتصاب غذا دچار کاهش وزن شدیدی شده و جان و سلامتی او در خطر است. پرونده وی به اتهام "تبلیغ علیه نظام" در شعبه یک دادگاه کذایی کرج رسیدگی می‌شود. این پرونده در پی انتشار فایل صوتی این زندانی از زندان قزلحصار، در دادگاه فرمایشی کرج علیه او گشوده شده است. زرتشت احمدی‌راغب طی ماه‌های گذشته از سوی دادگاه قلبی تجدید نظر استان تهران، به سه سال و نه ماه حبس تعزیری محکوم شده است.

مادر سپهر مقصودی، جان باخته خیزش ۱۴۰۱، درگذشت

هایده طاهری‌بیدزرد، مادر سپهر مقصودی، که پس از کشته شدن فرزند ۱۴ ساله‌اش به ضرب گلوله نیروهای امنیتی در ایذه، بیمار شده بود، درگذشت. ۲۵ آبان ۱۴۰۱، همان روزی که کیان پیرفلک مقابل چشمان پدر و مادرش پر کشید و رفت، در گوشه‌ای دیگر از شهر ایذه، سپهر مقصودی ۱۴ ساله، با شلیک گلوله به پیشانی‌اش جان شیرین خود را از دست داد.

"... نیروهایی که حکومت اسلامی را بزیر میکشند زیر بار یک رهبری واحد نخواهند رفت.

این بار خامی و خوشباوری انقلاب ۵۷ را نخواهیم دید. جنبش سرنگونی‌طلب اینبار به مراتب تحزب یافته‌تر خواهد بود.

احزاب و نیروهای سرنگونی‌طلب در عین تنش حاد با یکدیگر وارد این جدال میشوند.

اینها آلترناتیو حکومتی واحدی را نمی‌پذیرند. همه نیروها سقوط رژیم اسلامی را به مثابه گامی برای ایجاد نظام سیاسی مطلوب خود نگاه میکنند. و جدال واقعی میان این آلترناتیوها و افق‌ها، میان جنبشهای طبقاتی و پرچمهای حزبی مختلف با پیشروی جنبش سرنگونی‌طلبی بیشتر اوج میگیرد.

بنظر من با سرنگونی رژیم اسلامی، جنبش توده‌ای بشدت در درون خود پلاریزه میشود. صفتبندی جدیدی، له و علیه پرچم کارگری- کمونیستی در جامعه پدیدار میشود. ما درصاف مقدم جنبش سرنگونی‌طلبی در این میدان حضور پیدا میکنیم، اما نگاهمان به آنجاست. به انقلاب کارگری...

« منصور حکمت »

کانال تلگرامی یک دنیای بهتر



منصور حکمت را بخوانید و
به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>
www.hekmat.com

مجمع عمومی ظرف ابراز وجود مستقیم و مستمر
کارگران است!

مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به هر نیازی برپا
کنید!

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!

زنده باد آزادی، برابری، رفاه همگانی!

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب
پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی
سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی
ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده
رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان
صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج
سعید آرمان

Saeed_arman2002@yahoo.co.uk

uk

دبیر اجرایی
همایون گدازگر

Homayon_1954@yahoo.de

PARLOW TV
تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

نفسی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست
کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی
کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!